فرهنگ

روایت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از روزهای پرکار رئیس جمهور

رضا معطریان/ایران

گروه فرهنگی: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز گذشته در توئیتی به روزهای پرکار رئیس جمهور در ایام تعطیلات اشاره کرده و نوشت: «مطمئنم نتیجه این تلاش‌های فشرده و شبانه‌روزی، روزهای پرشکوه اقتصادی را برای ایران عزیز در آینده نزدیک رقم خواهد زد.» محمدمهدی اسماعیلی در نوشته دیگری نیز از عزم دولت در رویکردهای اصلاح خبر داده است. محمدمهدی اسماعیلی در صفحه شخصی خود نوشت: «خیلی تلاش کردم از فرصت تعطیلات و حضور آقای رئیس جمهور در تهران برای گفت‌وگو در مورد مسائل وزارتخانه استفاده نمایم. با وجود لطف همیشگی، حضور ایشان در جلسات پی‌درپی اقتصادی از ابتدای صبح تا پاسی از شب، مانع از این امر شد.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه افزود: «به ایشان خدا قوت عرض می‌کنم و مطمئنم نتیجه این تلاش‌های فشرده و شبانه‌روزی و همچنین اعتماد بالای مردم به صداقت، نظم و اراده قوی آقای رئیس جمهور، روزهای پرشکوه اقتصادی را برای ایران عزیز در آینده نزدیک رقم خواهد زد.» بنا بر خبر دیگری، طی روزهای گذشته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کمیته اطلاع‌رسانی ستاد ملی کرونا نکاتی هم درباره وضعیت کرونا در کشورمان نوشته است. آن‌طور که در گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده، محمدمهدی اسماعیلی در این نوشته کوتاه با اشاره به کاهش چشمگیر آمار فوتی‌های کرونا در کشورمان از عزم راسخ دولت در برداشتن گام‌های بلند اصلاحی دیگر در دولت مردمی خبر داده است. در متن این نوشته آمده: «دیروز (چهارشنبه) تعداد فوتی‌های کرونا در کشورمان به ۷ نفر رسید. این عدد روز گذشته در ایالات متحده ۱۹۲۱ بود. همنشینی تقوا، اراده و مدیریت قوی، شعار «ما می‌توانیم» را در دولت مردمی محقق کرد. با عزم راسخ، گام‌های بلند اصلاحی دیگر را با همین رویکرد برخواهیم داشت.»

علی محمدی/ایران

روح‌الله زمانی در گپ و گفتی با «ایران» از نقش آفرینی در آخرین کار سینمایی اش گفت

۱۸ بار «موقعیت مهدی» را دیده ام

نرگس عاشوری
خبرنگار

روح‌الله زمانی برای نخستین بار با فیلم «خورشید» وارد سینما شد. مجید مجیدی بر اساس نیاز قصه سراغ کودکان کار رفت و از بین ۶۰۰ نفری که برای شخصیت اصلی تست داده بودند او را برای نقش علی انتخاب کرد؛ انتخابی درست که هم ستایش منتقدان و علاقه‌مندان جدی سینما را به همراه داشت و هم جایزه مارچلو ماستروویانی (بهترین بازیگر نوظهور) هفتاد و هفتمین دوره جشنواره ونیز را. او که بعد از این فیلم با پیشنهادهای سینمایی متفاوتی مواجه شده در اندیشه رسیدن به انتخاب نقش و تجربه ژانرها و فضاهای مختلف است. روح‌الله زمانی این روزها «موقعیت مهدی» ساخته هادی حجازی‌فر را روی پرده سینما دارد. او در این فیلم ایفاگر نقش خسرو ملازاده، نوجوانی است که در کنار حمید باکری در عملیات خیبر حضور دارد. زمانی در گفت و گو با «ایران» از علاقه‌اش برای تجربه ژانر جنگ، شناساندن قهرمانان به هم‌نسلان خودش و تجربه همکاری با هادی حجازی‌فر می‌گوید.

■ نقش‌ات در نسخه سینمایی نقش مهمی است. به این دلیل که در نقطه مقابل با قهرمان قرار می‌گیرد. رابطه خسرو با محمد سمبل رفاقت مردانه است. رفاقتی از نسل جدید که حتی حاضرند حرف فرمانده را زیر پا بگذارند و جنازه دوست‌شان را برگردانند. چقدر نسبت به نقش و شخصیت خسرو ملازاده شناخت داشتی؟

آقای حجازی‌فر توضیحاتی راجع به نقش داده بود اما من دائم به خودم می‌گفتم روح‌الله اصلاً سینما به کنار، جنازه رفیق خودت را ببینی چه حسی به تو دست می‌دهد. یا حتی جنازه یکی از خانواده‌ات را. محمد گل تپه برای خسرو ملازاده رفیقی بود مثل خانواده‌اش. حتی خسرو می‌گوید عید غدیر که آمد برویم با هم برادر شویم. یعنی خسرو او را به چشم خانواده می‌دید. صحنه‌های حسی و گریه همین شکلی می‌چرخید.

■ پیش از این فیلم از شهید باکری شناخت داشتی؟

دو سه باری اسم آقا مهدی را از زبان‌ها شنیده بودم و در حد یک اتوبان. حتی عکسش را هم ندیده بودم. به همین خاطر می‌گویم که جامعه ما به چنین فیلم‌هایی نیاز دارد. مخصوصاً همسن‌وسال‌های من. باید آن خون در بدن ما جریان پیدا کند، یادشان زنده بماند و بفهمیم چه قهرمان‌هایی داشتیم.

■ چه خصلت‌هایی از او در نگاه تو قهرمان ساخته؟

خالصانه، صادقانه و شفاف بودن شخصیت آقای مهدی را دوست داشتم. چقدر بامعرفت بود، واقعاً قهرمان بود. هر چقدر فیلم درباره ایشان ساخته شود فقط گوشه کوچکی از مرام و معرفت اوست. واقعاً برخی چیزها را نمی‌شود به زبان گفت و حق مطلب را ادا کرد. مهدی باکری از هر لحاظ قهرمان بود. دوست دارم سینما قهرمان‌ها را نشان بدهد اما درست.

■ و این نگاه درست در «موقعیت مهدی» چیست؟

«موقعیت مهدی» فقط گوشه‌ای از زندگی شهید باکری را نشان می‌دهد اما عین حقیقت است. کسانی که فیلم را تماشا کردند و خودشان در جنگ بودند فیلم را تأیید کردند. قاطعانه می‌گفتند «موقعیت مهدی» خیلی شبیه فضای جنگ است.

■ نقشت در «خورشید» به خاستگاه خودت نزدیک است اما «موقعیت مهدی» - با وجود فصل‌های مشترک با المان‌های شخصیتی خودت- کمی متفاوت‌تر است. اینکه در فیلمی با ژانر و فضای متفاوت از «خورشید» حضور داشته باشی برایت مهم بود؟

بله. هر تصمیمی که در زندگی‌ام می‌گیرم آگاهانه است. دوست دارم به خودم ثابت کنم که می‌توانم. حس می‌کنم از پس هر نقشی برمی‌آیم و دوست دارم این را ثابت کنم. «خورشید» که زندگی خودم بود، کاری نکردم که به من سخت بگذرد. زندگی خودم بود و در فیلم زندگی می‌کردیم. در «موقعیت مهدی» هم همین رفاقت و چیزهایی مثل لهجه را در زندگی خودم داشتم. زبان مادری‌ام بود و همشهری‌های خودم را بهتر می‌شناختم و بهتر می‌توانستم بازی کنم. خسرو ملازاده ۱۵ سالش بود و من هم ۱۵ سالم بود. خیلی کمک می‌کرد. راحت می‌توانستم از پس نقش بربیایم.

■ لابد می‌دانستی که این ژانر سختی‌های خودش را دارد. مؤلفه‌ای که باعث شد با وجود همه سختی‌ها ترغیب شوی در «موقعیت مهدی» بازی کنی چه بود؟

اینکه بتوانم قهرمانان همسن‌وسال خودم را به همسن‌وسال‌های خودم نشان بدهم. بفهمانم همین خود ما بودیم که از ایران نگهداری کردیم و باعث شدیم بقیه راحت زندگی کنند. با اینکه نمی‌شود این‌ها را کامل نشان داد ولی باز هم خدا خدا می‌کردم که یک روز فیلم جنگی کار کنم و کار کردم.

■ تخصص مجید مجیدی بازی گرفتن و کار کردن با نابازیگرهاست. تجربه کارگردانی هادی حجازی‌فر و نحوه ارتباط گرفتنش چطور بود؟

آقای مجیدی جای خود دارد. همیشه مدیون ایشان هستم. آقای حجازی‌فر علاوه بر کارگردان برای ما رفیق بود. خیلی بامعرفت است. اصلاً به چشم کارگردان نمی‌دیدمش، رفیق بود. چون خودش هم بازیگر است، ارتباط گرفتن با بازیگرها را خوب بلد است. چیزی که باعث شد با هم راحت ارتباط بگیریم همین رفاقت بود. انگار نه انگار که اولین فیلمش است واقعاً انگار صد سال است کارگردان است. خیلی خوب درخشید. دم آقای حجازی‌فر گرم.

■ پس این رفاقت چطور به آن کل کل‌ها رسید؟

آخرین روز کارم بود. از بس خوشحال بودم کار دارد تمام می‌شود، خنده از لبانم جمع نمی‌شد. آخرین سکانس من از بدشانسی یک سکانس حسی بود و باید گریه می‌کردم اما برعکس خنده روی لبم بود و هی می‌خندیدم. آقای حجازی‌فر خواست سرم شیره بمالد. سنگی پرت کرد و خیلی جدی گفت آخه چرا این طوری. دستیار کارگردان، آقای شیخ لر، هم شروع کرد روی مغز من راه رفتن. حجازی‌فر سنگی بزرگ‌تر پرت کرد که دقیقاً خورد به من. اعصابم خرد شد. زیر لب گفتم «آره اگر تو محله ما بودی وجودش رو داشتی این طوری رفتار کنی.» آرام گفتم اما همه غرهام رو با میکروفن شنیدند. بعد از آن صحنه دوباره رفاقت‌مان کلید خورد.

■ گفتی که دوست داری نقش‌های متفاوت بازی کنی فارغ از تجربه کاری چقدر از مطالعه و آموزش کمک می‌گیری تا به این خواسته‌ات برسی؟

یک دوره‌ای کلاس می‌رفتم، پلاتو می‌گرفتم و تمرین می‌کردم، مطالعه می‌کردم اما از وقتی درگیر کار شدم تنبل شدم. به احتمال زیاد یک تئاتر کار کنم. باید تمرین و مطالعه را شروع کنم. خیلی کمک می‌کند؛ البته خدا باید بخواهد. خدا به دل آدم نگاه کند و مسیر را برای آدم هموار کند اگر نه پیشنهاد و تجربه کار که خیلی مهم نیست.

■ در مصاحبه‌ای که بعد از «خورشید» داشتیم گفتی قبل از بازی در این فیلم، سینما نمی‌رفتی و فیلم نمی‌دیدی. الان چطور؟ فیلم می‌بینی؟ چقدر روی بازی‌ها تمرکز داری؟

الان هر وقت می‌روم سینما فقط «موقعیت مهدی» را می‌بینم. رفیق‌هایم می‌گویند روح‌الله بریم فیلم کمدی ببینیم، می‌گویم نه فقط «موقعیت مهدی» (با خنده). باور نمی‌کنید ۱۸ بار «موقعیت مهدی» را دیدم. آخرین بار دیشب ساعت ۱۰:۴۰ بود.

■ مگر در هر بار دیدن فیلم چه اتفاق تازه‌ای می‌افتد که دوست داری دوباره آن را تجربه کنی؟

چیزهای بیشتری متوجه می‌شوم. فکر نکنم دیگر در زندگی‌ام چنین کاری پیش بیاید. شخصاً خیلی علاقه‌ای به دیدن فیلم ندارم. اما هر بار که این فیلم را می‌بینم انگار اولین بار است. اصلاً تکراری نمی‌شود. نه اینکه چون کار خودم است‌ها، نه! من که فقط یک پرده هستم؛ کوتاه ولی تأثیرگذار (با خنده) نقش‌ام خیلی پررنگ نیست. ولی هر بار که «موقعیت مهدی» را می‌بینم انگار با سری قبل فرق می‌کند. انگار چیزهای تازه‌تری می‌بینم. کلاً ۴ بار با مادرم فیلم را دیدم.

■ بازخورد آنها چه بود؟

خانواده مادرم اصلاً اهل سینما رفتن نیستند باورم نمی‌شود یک مرتبه زنگ زدند و گفتند رفتیم سینما و فیلم را دیدیم. خیلی خوش‌شان آمده بود. حالا یک خرده امیدشان نسبت به من زیاد شده است (با خنده). مامانم هم فیلم را خیلی دوست داشت. واقعاً نکته مهم بازی فیلم این بود که مادرم به من افتخار کند. همین که مادرم توی سالن سینما می‌نشیند و کار من را می‌بیند برایم بس است چیز دیگری نمی‌خواهم. خیلی فیلم را دوست دارد. حتی می‌گفت قبل از اینکه بروی جلوی دوربین و برای شهدا و جانبازها کار کنی وضو بگیر.

■ دوستان و همسن‌وسال‌هایت که دغدغه معرفی قهرمان جنگ را به آنها داشتی چطور؟

برخی گریه‌شان می‌گرفت. یکی از دوستان خودم وقتی از سالن آمد بیرون گفت «دم خسرو ملازاده گرم. همین طوری بود؟» گفتم: «داداش کجای کاری. همین طوری هم نبود! این تنها گوشه‌ای از زندگی‌اش است.» واقعاً هر مخاطبی که فیلم را ببیند چیزهای خوبی دریافت می‌کند. من که هر بار فیلم را می‌بینم انرژی مثبت دریافت می‌کنم.

از لحاظ امنیت صد بودیم ولی آنها صفر بودند

دوست داشتم کار جنگی کنم، مخصوصاً به زبان آذری. فکرش را نمی‌کردم به این زودی‌ها اتفاق بیفتد. خدا را شکر شرایطش پیش آمد. خیلی بد است آدم اسم شهدا را در حد یک کوچه بداند، مرام و معرفت آدم نمی‌کشد. اکثرشان همسن‌وسال خودم بودند. دائم به خودم می‌گویم یعنی توی دلشون، توی مرامشون، توی معرفتشون چی‌ها می‌دیدند که این طوری از زندگی گذشتند. جان‌شان را گذاشتند کف دست‌شان و خودشان را فدا کردند. خیلی حرف است یک بچه ۱۵ ساله به همین راحتی از همه خوشی‌هایش بگذرد! نکته مهم اینکه آگاهانه انتخاب کردند و به جنگ رفتند. این طور نبود که از روی احساس پا به میدان جنگ بگذارند. واقعاً به اینها باید قهرمان گفت. یک سکانس بود که خیلی حال کردم، سکانس شهادت حمید باکری. این دسته ۶ روز بدون آذوقه و مهمات جنگیدند. در فیلم یک صحنه داشتیم به اندازه ۲۰ ثانیه. فقط ۲۰ فشنگ در کردم اما کم آوردم. واقعاً اینها چطور ۶ روز بدون آذوقه بیدار ماندند. ما که تمام فشنگ‌ها و انفجارهای‌مان مشقی بود. هیچ بلایی سرمان نمی‌آمد. از لحاظ امنیت صد بودیم ولی آنها صفر بودند. من که کلاً دو ماه سر کار بودم آن هم بعضی روزها بودم و بعضی روزها نبودم با این همه خیلی خسته شده بودم، صدای انفجار و دود و... آنها ۸ سال از زندگی‌شان را در جنگ گذاشتند. واقعاً برخی چیزها را حتی نمی‌شود به زبان آورد، درک‌شان سخت است.

هر لحظه ممکن بود سرنوشتم چیز دیگری باشد

جا دارد از خدای خودم تشکر کنم. از مادرم. از آقای مجیدی. از آقای حجازی‌فر. بعد از «خورشید» پیشنهادهای زیادی شد. ولی نه نقش‌های متفاوتی که دلم می‌خواست بازی کنم. باید تشکر کنم از آقای عسگری که من را هم به «خورشید» و هم به «موقعیت مهدی» معرفی کرد. دوست دارم یک بار دیگر با آقای مجیدی کار کنم. آقای مجیدی همیشه جای خاص خودش را دارد. دائم با هم در ارتباطیم. حتی برخی اوقات خودش به من زنگ می‌زند و برخی کمک‌هایی که نیاز دارم و در توانم نیست را برایم فراهم می‌کند. از «موقعیت مهدی» خیلی خوشش آمد. از بازی من خیلی تعریف کرد و انرژی مثبتی داد. بعد از «خورشید» زندگی‌ام تغییر کرد. خیلی بیشتر از آن که تصورش کنم. من در جایی بزرگ شدم که هر لحظه ممکن بود سرنوشتم چیز دیگری باشد. به قول آقای مجیدی این بچه‌ها را باید حمایت کنند که خلافکار نشوند. الان مشغول به کار خودم هستم. مهدی (محمد مهدی موسوی) همچنان مطالعه و تمرین می‌کند. دائم نمایشنامه و کتاب می‌خواند. شمیلا (شیرزاد) قرار است فیلم تازه بازی کند. حال ابوالفضل (شیرزاد) را هم از شمیلا پیگیرم. مانی همان پسری که در فیلم عشق فوتبال بود هم دائم کتاب می‌خواند و مطالعه می‌کند.

نمایشگاه کتاب

در آستانه برگزاری سی و سومین دوره نمایشگاه کتاب تهران عنوان شد

امسال هیچ ناشری در فضای باز و چادر استقرار ندارد

گروه فرهنگی: یاسر احمدوند رئیس سی و سومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با حضور در مصلای تهران در جریان مراحل آماده‌سازی نمایشگاه قرار گرفت. امسال در حالی ناشران به استقبال علاقه‌مندان کتاب می‌روند که متولیان برپایی این دوره گفته‌اند دیگر خبری از استقرار غرفه‌ها در فضای باز و چادر نیست.

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس این دوره از نمایشگاه کتاب تهران اواخر هفته گذشته با حضور در محل مصلای امام خمینی(ره) تهران از مراحل آماده‌سازی نمایشگاه بازدید کرد. وی با حضور در بخش‌های مختلف مصلی اعم از شبستان اصلی، بخش ناشران کودک و نوجوان، بخش ناشران آموزشی، بخش ناشران دانشگاهی، بخش بین‌الملل، بخش ناشران خارجی، ستاد اجرایی، روابط عمومی و کمیته اطلاع‌رسانی در جریان جزئیات اقدامات انجام گرفته و سایر مراحل آماده‌سازی نمایشگاه قرار گرفت.

مراحل تحویل غرفه به آن دسته از ناشران داخلی که قصد نصب سازه دکورهای خودساز خود را در غرفه‌شان دارند از روز سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت‌ماه آغاز شده است. طبق اعلام مدیر کمیته اجرایی و پشتیبانی نمایشگاه تا امروز (شنبه هفدهم اردیبهشت) تمام تجهیزات مخابراتی، دستگاه‌های کارتخوان، برق، اینترنت و سایر نیازمندی‌های اجرایی تکمیل شده و ناشران می‌توانند نسبت به انتقال کتاب‌ها و چیدمان غرفه اقدام کنند.

همچنین طبق توافقاتی که با شهرداری تهران صورت گرفته چند نقطه برای استراحت بازدیدکنندگان هم در نظر گرفته شده است.

بنابر خبر دیگری از روابط عمومی برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، ناشران شرکت‌کننده در بخش فروش مجازی سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران تا ۱۹ اردیبهشت فرصت دارند با مراجعه به صفحه کاربری خود ویرایش‌های لازم کتاب‌ها را انجام دهند.

کافی است ناشران برای اعمال تغییرات به صفحه کاربری خود در آدرس ketab.ir وارد شوند و ویرایش‌های لازم خود را براساس ضوابط و آموزش‌های موجود اعمال کنند. سایت نمایشگاه از روز ۱۸ اردیبهشت برای جست‌وجو و افزودن کتاب‌های منتخب به قسمت علاقه‌مندی‌های صفحه شخصی بازدیدکنندگان مجازی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. بنابر خبر دیگری، حسین صفری مدیر کمیته اجرایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب نیز با اشاره به اینکه مهم‌ترین نقطه قوت کمیته اجرایی امسال جانمایی تمام ناشران در فضای مسقف نمایشگاه کتاب در مصلای تهران است، تصریح کرده: «امسال هیچ ناشری در فضای باز و چادر استقرار ندارد و با اختصاص فضای مسقف بیشتر تقریباً ۹۰ هزار مترمربع از سوی مصلی در شبستان، رواق‌های شرقی و غربی در دو و سه طبقه به نمایشگاه کتاب تمام ناشران در فضای مسقف جانمایی شده‌اند که این را می‌توان نقطه قوت نمایشگاه کتاب امسال دانست.»

گفتنی است سی و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «با کتاب سلامتیم» از بیست و یکم تا سی و یکم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ در دو بخش حضوری در مصلای امام خمینی(ره) و مجازی در سامانه ketab.ir برگزار می‌شود.

دنیای تصویر

۱

سارقی که تابلوی «کلود مونه» از بنیانگذاران امپرسیونیسم را از موزه زانس هلند دزدیده بود به چهار سال حبس محکوم شد. این مرد ۴۹ ساله اوت گذشته (مرداد- شهریور ۱۴۰۰) با همکاری یک فرد دیگر، تلاش کرده بود تابلوی مذکور را از موزه زانس هلند بدزدد. به گفته دادگاه هلند شمالی که در مورد این پرونده حکم صادر کرده است، متهم در روز روشن وارد موزه زانس شده، تابلو را از دیوار برداشته، زیر بغل زده و با خود برده بود. تمام این مدت همدستش نیز بیرون از موزه به انتظار او ایستاده بود. هر دو سارق مسلح بودند. اگرچه این تابلو نه خیلی معروف است و نه خیلی گرانقیمت، اما دادگاه آن را اثر غیرقابل جایگزینی از یک نقاش مشهور در جهان دانست و متهم را محکوم کرد. با وجود مرمت تابلو، هنوز به دلایل امنیتی امکان به نمایش گذاشتن آن در موزه وجود ندارد. کلود مونه از بنیانگذاران جنبش هنری امپرسیونیسم یا دریافتگری در فرانسه و یکی از نقاشان بزرگ تاریخ است. این نقاش صاحب سبک فرانسوی دوران جوانی و حتی بخشی از میانسالی خود را در فقر گذراند اما سرانجام توانست با فروش آثارش به ثروت و رفاه دست یابد. /ایرنا

۲

«پل شریدر» کارگردان، نظریه‌پرداز و فیلمنامه‌نویس ۷۵ ساله امریکایی در هفتاد و نهمین جشنواره فیلم ونیز جایزه شیر طلایی افتخاری یک عمر دستاورد هنری را دریافت خواهد کرد. شریدر فیلمنامه‌نویس چهار فیلم مارتین اسکورسیزی، راننده تاکسی، گاو خشمگین، آخرین وسوسه مسیح و احیای مردگان است. او از سال ۱۹۷۴ تاکنون ۲۴ فیلم را کارگردانی کرده است، از جمله فیلم «کارت شمار» که سال گذشته در ونیز نمایش داده و سپس نامزد جایزه اسکار شد. آلبرتو باربرا، مدیر جشنواره ونیز درباره جایگاه هنری وی گفته: «پل شریدر یکی از چهره‌های کلیدی هالیوود جدید است که از دهه ۱۹۶۰ به بعد، تخیل، زیبایی‌شناسی و زبان فیلم امریکایی را متحول کرد. از همین رو اغراق نیست اگر تصدیق کنیم او یکی از مهم‌ترین فیلم‌سازان امریکایی نسل خود است.» تا به حال چندین کتاب از او همانند فیلمنامه «راننده تاکسی»، «سبک استعلایی در سینما» و «شریدر به روایت شریدر» به فارسی ترجمه شده است. شریدر از علاقه‌مندان به آثار فیلمسازان ایرانی نظیر «ماهی و گربه» شهرام مکری است. او «قهرمان» اصغر فرهادی را در میان ۱۰ فیلم برتر سال گذشته خود انتخاب کرد. /ایلنا

۳

یکی از تابلوهای نقاشی اثر «اگون شیله» نقاش اتریشی که چندین دهه ناپدید شده بود، بالاخره کشف شد. مسئولان یک موزه اعلام کردند یکی از آثار «اگون شیله» نقاش اتریشی که در آن دایی این هنرمند به تصویر کشیده شده، پس از ۹۰ سال دوباره پیدا شده است. این نقاشی در یک مجموعه خصوصی واقع در «وین» کشف شده است.

این تابلو نقاشی قرار است برای نخستین بار در «موزه لئوپولد» در اتریش به نمایش گذاشته شود که خانه بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آثار این هنرمند اکسپرسیونیست است. عواید حاصل از این مجموعه «ان اف تی» برای مرمت این نقاشی که اخیراً کشف شده است و توسعه مجموعه آثار «شیله» در «موزه لئوپولد» صرف خواهد شد.

این تابلو نقاشی پیش از این، فقط در یک عکس سیاه و سفید دیده شده بود. این عکس به سال ۱۹۳۰ تعلق داشت. از آن زمان تاکنون هیچ شواهدی وجود نداشت که نشان دهد آیا این نقاشی هنوز وجود دارد یا برای همیشه از بین رفته است. مسئولان «موزه لئوپولد» زمانی که مالکان این نقاشی با آنها تماس گرفتند از وجود این نقاشی مطلع شدند. /ایسنا

جناب آقای دکتر علی داداشی
درگذشت مادر گرامیتان را از صمیم قلب تسلیت عرض کرده و از خداوند مهربان شادی روح آن مرحومه و شکیبایی بازماندگان را مسألت می‌نماییم.
کارکنان و هیأت مدیره مهندسین مشاور پل رود

طراوت گل را جاودانه کنیم
با اهدا یادبود و سفارش گل‌های همیشه بهار برای مجالس ترحیم یتیمان را از رنج و پریشانی برهانیم.
موسسه خیریه حضرت فاطمه زهرا
شماره ثبت ۸۳۶۹ تاسیس ۱۳۶۸
دفتر مرکزی میدان نیاوران: ۲-۲۲۸۲۴۳۷۱
سفارش تاج گل ۲-۲۶۳۰۰۲۰۱ همراه ۰۹۱۲-۳۵۸۲۷۱۲
www.Fatemehzahra.org سامانه پیام کوتاه ۲۰۰۰۴۷۵